بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه70...29/9/1399

در درس قبلی اشکال مهمی بر عبارت إن الارض یطهر بعضها بعضا مطرح شد و آن اجمال حدیث بود چون فقها در تفسیر این جمله ۳ احتمال در تفسیر آن فرموده اند که بیان شد در جلسه قبل و تکثر محتملات نشانه اجمال است

جواب استاد : اگر محتملات بعضی اظهر و بعضی ظاهر بودند حکم به اجمال نمیشود بلکه اظهر بر ظاهر مقدم است یکی از احتمالات این بود که کسانی که بر روی زمین راه میروند و احیانا کفش دارند یا با عصا یا پابرهنه‌راه میروند وقتی بر روی نجاست انسانی قدم میگذارند پاهایشان و کفشهایشان آلوده به نجاست میشود و ازاله نجاست به این است چند قدمی بر روی آن نقطه های پاک زمین راه بروند تا اثر نجاست زائل شود پس همانطوری که آب مزیل آثار نجاست است همچنین زمین هم مزیل آثار نجاست است و همانطوری که اب عین نجاست را زائل میکند همچنین زمین هم عین نجاست را زائل میکند و این تفسیر احتمال اظهر است اما آن دو احتمال دیگر ظاهر حدیث است و در دوران بین اظهر و ظاهر ، اظهر مقدم است و حکم به اجمال نمیشود ؛ و حتی آن دو احتمال را هم بررسی میکنیم :

اما بررسی احتمال از ملامحسن فیض کاشانی بود که وقتی قدم را برروی نجاست میگذاریم همواره قدمهای بعدی باعث میشود به کلی نجاست زمین از بین برود و چیزی از نجاست زمین باقی نماند ، این احتمال را صحیحه محمد بن حلبی منقول از مستطرفات سرائر دارد در آنجا محمد سوال کرد إن طریقی الی المسجد فی زقاق یبال فیه که در بین راه مسجد با منزل ما کوچه ای است که مردم بول میکنند اگر ما احتمال فیض را بپذیریم لازمه اش این است که در این حدیث بگوییم وقتی پا را روی رطوبت بول گذاشتی قدمهای بعدی باعث میشود رطوبت خشک شود و از بین برود کاملا این معنا با ظاهر حدیث مناسب نیست چون سوال از زوال رطوبت بول نیست بلکه سوال از نجاست است یعنی حالا که کفش یا قدم ما نجس شد چگونه او را پاک کنم و اثرش که نجاست است را چگونه از بین ببرم ؛ به بیان دیگر تارة سوال از آثار عینی است و بحث موضوعی میشود و بول یک موضوع است و زوال بول و غائط چگونه است ؛ اخری آثار حکمی است یعنی حالا که پایمان آلوده به نجاست شد چگونه تطهیر میشود قطعا سوال از امام سوال از آثار عینی نیست بلکه سوال از آثار حکمی است امام هم فرمودند حکمش این است که ۱۵ ذراع راه بروی در زمین پاک و کلام فیض با زوال اثر عینی مناسبت دارد

اما بررسی احتمال از وحید بهبهانی است که ایشان کلمه بعضها را بعض زمین پاک گرفت و بعض دوم را بعضی از متنجسات گرفت یعنی بعضی از زمین پاک بعضی از متنجسات را پاک میکند نه همه متنجسات ؛ به نظر ما این کلام ایشان خلاف ظاهر حدیث است چون مراد حدیث این است که اگر قسمتی از زمین نجس بود پا یا کفش یا عصا را روی آن نجس گذاشتی با چند قدم تا رفتن بر زمین پاک قدم شما پاک میشود پس منظور از بعض دوم نجاست و اثر نجاست است نه متنجس ، حال که کفش ما نجس شد اثر نجاست را چگونه ببرم با اب یا با قدم زدن روی زمین امام میفرماید با قدم زدن پاک میشود

اشکال دیگری بر حجیت صحیحه أحول وارد کردند که این صحیحه یک ذیلی دارد که مشهور فقها از این ذیل حدیث اعراض کرده اند که آن این است که در حدیث تطهیر قدم را منوط به ۱۵ ذراع کرد و مشهور از این اعراض کردند و اعراض مشهور دال بر عدم حجیت این حدیث است ولو حدیث صحیحه باشد.

جواب استاد. : اولا منظور امام ۱۵ ذراع قضیه خارجیه است آن شخصی که پرسید کفشش به حدی آلوده به نجاست شده که با کمتر از ۱۵ ذراع قدم زدن پاک نمی شود

ثانیا : اگر کسی هم جواب اول را قبول نکند ناچار است که حدیث صحیحه را حمل بر استحباب کند نه اینکه آن را از حجیت بیندازد که این تعداد قدم زدن مستحب است و به نظر ما جواب اول قوی است چون در اینجا تحدید است و تحدید مفهوم دارد وقتی امام میفرماید لا باس اذا کان خمسة عسر ذراعا محدود کرد قدم را به ۱۵ ذرع مفهومش است است که هرکجا زوال عین نجاست به کمتر از ۱۵ ذراع بود اشکالی ندارد و منطوقش این است که هر کجا زوال عین نیاز به ۱۵ ذراع بود انجام دهید

اشکال سوم بر صحیحه محمد حلبی وارد شد که صحیحه حلبی متعارض است علی الظاهر یک مساله است اما به دو نحو نقل شده یک بار اسحاق ابن عمار از محمد حلبی نقل کرد و بار دیگر مفضل بن عمر از ایشان نقل کرد ، در نقل اسحاق ندارد که رطوبت بول به پای من چسبیده بلکه وارد شده که من در مکانی منزل گرفته ام و بین من و مسجد کوچه‌ای است که قاذورات ریخته میشود اما در نقل مفضل بن عمر آمده که در ان کوچه بول میکنند لذا دو تا نقل از یک نفر میباشد و این در مستمسک هست.

جواب استاد : تعارض حدیثین به سبب تنافی مدلول دو دلیل است میزان و معیار در روایت محمد حلبی مفقود است چون نسبت بین این دو خبر نسبت مبین به مجمل است مبین یعنی مفصل ، آن روایتی که مفضل از محمد نقل کرد مفصل نقل کرد اما همین واقعه را اسحاق از محمد مجمل نقل کرد شاهد ش این است که در روایت مفضل حدیث ادامه دارد

قلت فاطأ علی الرؤس ......اما این ادامه حدیث در نقل اسحاق نیست ضمن اینکه قواعد تعارض جاری نمی شود چون سند هر دو صحیحه هست لذا مرجح سندی نیست تا قاعده تعارض جاری شود ، فتحصل هر چیزی که اسم نعل به آن شود اگر بر اثر نجاست زمین نجس شود با راه رفتن در زمین پاک ، پاک میشود حالا میخواهد کف پا باشد یا کفش یا کف دست یا یا چرخ ماشین یا ویلچر و دست و زانوی افرادی که بریده شده باشد را شامل میشود